

آثار روانی حب دنیا از دیدگاه قرآن

ساجده پاچیده^۱

چکیده:

خواسته‌های درونی هر انسانی نقش تعیین کننده‌ای در سلامت روانی آن فرد دارد. یکی از آن خواسته‌هایی که می‌تواند پیامد ناگواری برای سلامت و سعادت زندگی فردی انسان به دنبال داشته باشد و او را از دستیابی به سلامت معنوی و زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی بازدارد، دنیاگرایی است.

پژوهش حاضر با هدف تبیین و تحلیل آثار روانی حب دنیا، با بهره‌گیری از متون دینی با روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد به این ترتیب که ابتدا به مفهوم شناسی و سپس پیامدهای روانی حب دنیا پرداخته می‌شود.

نتایج حاصله عبارت است از: با تأمل در آیات و روایات پیامدهای حب دنیا بر روان انسان مثل اضطراب، ترس و اندوه فراوان، سستی اراده، کوردلی، حرص و طمع و بخل است.

کلیدواژه: آثار روانی، دنیا، حب، حب دنیا.

مقدمه:

مردم به چیزهایی اهمیت می‌دهند که در واقع ارزشی ندارند، چرا که مهم این است که انسان در زندگی دنیا، آرامش روحی داشته باشد. با این که امروزه زندگی بشر مرتب‌تر و بهتر شده است، بر اساس آمارها فشار و ناراحتی‌های روحی و روانی بیشتر شده است. دنیا جایگاهی است گذرا و ناپایدار که انسانها آفریده شده‌اند تا بهره‌ای از حیات خود را در آن بگذرانند و در آن جا برای خود توشه‌ای ببرند.

به دلیل اینکه در جامعه کنونی اغلب مردم جامعه شیفته دنیا شده و به آن روی آورده‌اند از یاد خدا غافل شده‌اند و فریفته زرق و برق دنیا شدند و به دلیل اهمیت زیاد زندگی دنیوی و نقش آن در سرنوشت ابدی انسان در جهان آخرت به نوبه‌ی خود لازم دانستم که در این زمینه تحقیق جامعی کرده و آثار و پیامدهای دنیا دوستی را که بر روان انسان تاثیر مخربی دارد را ارائه دهم.

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه الزهراء شهرستان شاهین دژ

با توجه به تلاش‌هایی که در زمینه منبع‌شناسی این موضوع صورت گرفته، کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان یا شبیه به آن یافت نشد. بنابراین جهت نگارش مقاله از کتب تفسیری و روایی بهره گرفته شده است. اما چون بیشترین احادیث از امام علی علیه‌السلام در این زمینه وجود دارد، لذا در تفسیر و تکمیل آیات قرآنی از نهج‌البلاغه و غررالحکم و دررالکلم بیشتر استفاده شده است. این نوشتار با مطالعه توصیفی-تحلیلی به بررسی آثار روانی حب دنیا از دیدگاه قرآن کریم پرداخته، و پیامدهای منفی دنیاگرایی را بر روان انسان مورد بررسی قرار داده است؛ چون در مقام پاسخگویی به این سوال است که آثار روانی حب دنیا از منظر قرآن کریم چیست؟

مفهوم‌شناسی

«دنیا» مونث «دنی» است. ج دُنْی: زندگی کنونی، این واژه متناقض (الآخره) است.^۱ اگر آن را از «دنی» و «دنائت» بدانیم به معنی پست تر و اگر از «دنو» به حساب آوریم به معنی نزدیک‌تر است و به معنای کمتر هم آمده است.^۲

در حقیقت نزدیک‌تر بودن دنیا به معنی پست‌تر بودن است. بنابراین دنیا وصف است یا به جهت پست‌تر بودن آن نسبت به آخرت و یا به این جهت که این زندگی، از آخرت به ما نزدیک‌تر است.^۳ اما منظور از محبت و دوستی دنیایی که مذموم و ناپسند شمرده شده، نه این است که محبت و علاقه به کائنات و مخلوقات عالم کار درستی نیست چون بالاخره ما در این وادی قدم نهاده‌ایم و برای زندگی و پیشرفت در آن نیاز به روابط و همزیستی مسالمت آمیز با مخلوقات و موجودات این عالم داریم، بلکه مراد از حب دنیایی که نامیمون و سد راه سلوک الی الله است علاقه به معنی وابسته شدن و دلخوش و قانع بودن به امور مادی دنیوی و رضایت دادن به آن است. پس سخن در هدف و کمال مطلوب بودن دنیا است؛ در یک کلام آنچه زشت و از رذائل اخلاقی به شمار می‌رود دلبستگی و همه چیز را در مادیات دیدن است نه استفاده بجا و در راه حق از آنها.^۴

۱. بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۳۹۹.

۲. قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۲، ۳۶۲.

۳. همان‌جا.

۴. نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱.

حب دنیا اعم از حب مال، مقام، شهوت جنسی، تفوق طلبی، برتری جویی، تن پروری، انتقام جویی و مانند اینها، گاه چنان طوفانی در روح انسان ایجاد می‌کند که موجب می‌شود انسان حیات دنیا را بر آخرت مقدم دارد.^۱

روان، کلمه‌ای فارسی است که معادل آن در فرهنگ قرآن و حدیث، نفس یا روح است. و بیماری و سلامت روان در قرآن و حدیث غالباً به «قلب» که شأنی از شئون روح و نفس است، نسبت داده می‌شود.

منظور ما از روان در این جا، بعد غیر مادی انسان است، زیرا انسان تنها همین بدن مادی و خاکی نیست، بلکه موجود به امتداد نظام هستی از عرش تا فرش است که بدن عنصری، مبدأ تکون و مرتبه نازله آن است.^۲

پیامدهای روانی حب دنیا

بشر دارای دو سنخ حیات است حیات طبیعی و جسمانی و دیگر حیات روانی و معنوی است و حیات روانی و معنوی عبارت از روح ایمان و تقوی است و حیات طبیعی قوه عامل و فرمان‌بر روح و مرکب حیات معنوی است و بر اساس علاقه به آسایش در زندگی و نیز وابسته به علل و اسباب طبیعی خواهد بود.^۳

دنیا گرایی آثار روانی منفی بسیاری را در انسان پدید می‌آورد که با آن نمی‌توان حق و حقیقت را به درستی شناخت. برخی از پیامدهای دنیا طلبی به نفس و روان انسان مربوط می‌شود، مانند:

۱. اضطراب

حب دنیا نیز انسان را دچار اضطراب و نگرانی می‌کند؛ زیرا دنیا دوست اگر دنیا را نداشته باشد، همواره در آرزوی به دست آوردن آن است و نگران این که چگونه آن را به دست آورد؛ و اگر دنیا را داشته باشد، نگران و مضطرب از دست دادن آن است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَصْلُ الْمِحْنِ»^۴ دوستی دنیا، سر همه فتنه‌ها و ریشه همه اندوه‌ها و محنت هاست.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۰۶.

۲. فقیهی، بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین، ص ۱۰۳.

۳. حسینی همدانی انوار درخشان، ج ۸، ص ۲۶۳.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۴۸.

یعنی عاشق دل باخته دنیا، تمامی عوامل اندوهگینی و اضطراب را دارد چون ریشه همه این نگرانی‌ها محبت دنیا است.^۱

احساس پوچی و خلاء روانی در عصر ما، انسان‌ها را به سوی تجمل‌پرستی کشانده است تا شاید در بالای این تجملات و سرگرمی‌های ناشی از آن گمشده‌ی خود را بیابد و یا لااقل خود را سرگرم سازد، اما همین تجمل‌پرستی نه تنها وی را از نظر روانی تأمین نمی‌کند بلکه او را در یک مسابقه‌ی احمقانه‌ی پردردسر و فزاینده‌ای درگیر می‌کند و موجب نگرانی و اضطراب بیشتر او می‌شود.^۲ بنابراین انسان دلبسته به دنیا همیشه در اضطراب و نگرانی به سر می‌برد؛ زیرا دنیا قرین با انواع فقدان‌هاست و فشارهای روانی ناشی از این فقدان‌ها اضطراب زاست.

۲. ترس و هراس

خوف و ترس معمولاً از احتمال فقدان نعمت‌هایی که انسان در اختیار دارد و یا خطراتی که ممکن است در آینده او را تهدید کند، ناشی می‌شود، همانگونه که غم و اندوه معمولاً نسبت به گذشته و فقدان امکاناتی است که در اختیار داشته است، اولیاء و دوستان راستین خدا از هر گونه وابستگی و اسارت جهان ماده آزادند.

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید اولیا (و دوستان) خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.»^۳ بنابراین «غم‌ها» و «ترس‌هایی» که دیگران را دائماً در حال اضطراب و نگرانی نسبت به گذشته و آینده نگه می‌دارد در وجود آنها راه ندارد.^۴

یکی از مفاصد بزرگ دنیاگرایی و وابستگی به آن، این است که انسان را از مردن هراسان کند. این خوف که از محبت دنیا و علاقه‌ی قلبی به آن پیدا می‌شود، بسیار ناپسند است. این خوف با خوف از مرجع که از ویژگی‌های مؤمنان می‌باشد، تفاوت دارد. همین فشار رفع تعلقات و خوف از خود مرگ است.^۵

۱. آقا جمال خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۳۹۵.

۲. امامی، بهترین راه غلبه بر نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها، ص ۸۴.

۳. یونس، ۱۰.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۳۳.

۵. خمینی، اربعین حدیث، ص ۱۲۳.

امام علی علیه السلام فرمودند: «وَكُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَخْذَرَ مَا تَكُونُ مِنْهَا، فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا اطْمَأَنَّ فِيهَا إِلَى سُرُورٍ اشْخَصَتْهُ عَنْهُ إِلَى مَحْذُورٍ، أَوْ إِلَى إِيْنَاسٍ أَزَالَتْهُ عَنْهُ إِلَى إِيْخَاشٍ؛^۱ هرگاه انس تو به دنیا بیشتر است از آن هراسان تر باش؛ زیرا دنیا دوست به آن دل بست و شاد شد، دنیا او را از آن حال به سختی می‌کشاند و هرگاه به دنیا مطمئن گردید، او را به ترس و هراس گرفتار می‌کند.»

کسی که دل به چرب و شیرین زندگی سپرده و چشمش خیره رنگ آمیزی‌های ظاهری زندگی شده است می‌ترسد و به سادگی در دام شیطان و قدرت‌های باطل می‌افتد و مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.^۲

بر همین پایه، می‌توان گفت که دنیاطلبی روح شجاعت و دلیری را از انسان می‌گیرد و از نظر روانی او را دچار ترس می‌کند.

۳. اندوه فراوان

دنیاطلبی، انسان را گرفتار غم و اندوه و آرزوهای غیر معقول و دست نیافتنی کرده، تعادل روحی او را بر هم می‌زند. ابن ابی یعفور می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

«مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَفْنَى، وَ أَمَلٌ لَا يَذْرَكُ وَ رَجَاءٌ لَا يَنَالُ؛^۳ کسی که به دنیا دل بسته باشد قلبش به سه خصلت گرفتار می‌شود: اندوهی تمام نشدنی، آرزویی غیر معقول و امیدی دست نیافتنی.»

امام علی علیه‌السلام پیشوای متقیان می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَشْعَرَ الشَّغْفَ، بِهَا مَلَأَتْ ضَمِيرَهُ أَشْجَانًا، لَهُنَّ رَقِصٌ، عَلَى سَوِيْدَاءٍ قَلْبِهِ، هَمٌّ يَشْغَلُهُ وَ غَمٌّ يَحْزُنُهُ كَذَلِكَ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ، فَيُلْقَى، بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاءَ، هَيْنًا عَلَى اللَّهِ فَنَآؤُهُ وَ عَلَى الْإِخْوَانِ الْإِفَاؤُهُ؛^۴ امام علی «علیه‌السلام»: ای مردم! متاع دنیا خرد و ریزی است آلوده؛ پس، از چرا گاهی دور باشید که دل کندن از آن سعادت‌مندانه‌تر است تا دل بستن به آن، و به اندازه داشتن از آن پاکیزه‌تر است تا انباشتن آن. بسیاریاران آن سرانجام تهیدستند، و بی‌نیازان از آن آسوده. هر کس را زیور آن خوش آید چشمانش را چنان کوران مادرزاد سازد (که

^۱. شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۴۵۸، نامه ۶۸.

^۲. سخنان رهبری در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۷۷

^۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۲۰

^۴. شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۳۷۴، ص ۵۳۹.

یعنی آنچنان مشغول به دنیا و ظواهر آن می‌گردد و مال و ثروت را به دور خود جمع می‌کند، که دل کندن از آنها برای او بسی دشوار است و از دست دادن مال و ثروت را مساوی مرگ خود می‌داند و هنگام مرگ با مال و ثروت غمگین و افسرده کوچ می‌نماید.

همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود: «حریص از دو خصلت محروم و به دو خصلت مبتلا می‌شود: از قناعت محروم می‌شود و آسایش و راحتی را از دست می‌دهد، و از رضایت محروم می‌شود و یقین را از دست می‌دهد.»^۱

۹. بخل، دشمن آسایش زندگی

یکی دیگر از آثار حب دنیا بخل است. انسان دنیاگرا از امساک و نگهداری و حبس اموالی که باید در دست تمام افراد گردش کند لذت می‌برد تا بشدت به انحطاط کشیده می‌شود و همه چیز را منکر می‌شود. نقطه مقابل بخل، بخشندگی است که بالعکس انسان را به قله‌های سعادت می‌کشد. بخل دو گونه است: یکی بخل در اموال خویش و دیگری بخل به اموال غیر.

که دوّمی ناپسندتر و مذموم‌تر است از گونه اولی است و دلیلش این سخن خدای تعالی است که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا»^۲ همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم.»

بخل مانع پرداخت حقوق واجب الهی و رسیدگی به هموعان است لذا انسان‌های بخیل حس نوع دوستی و همدردی را از دست داده و نیکی و جود و بخشش را فراموش کرده‌اند و یا بعضاً هر کار نیکی را که موافق با فکر آنان نیست تکذیب و تخریب می‌کنند.

اما کسی که بخل ورزد و بی‌نیازی طلبد و پاداش نیک را انکار کند، به زودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم.

^۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰.

^۲. نساء، ۳۷.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «کلمه بخل در مقابل کلمه أعطی به معنی ندادن است و کلمه استغناء به معنی طلب غنی و ثروت از راه ندادن و جمع کردن است.»^۱

آنچه مانع می‌شود که بذل و بخشش مال نکند، حبّ مال و ثروت است که از مصادیق دنیاطلبی و دنیاپرستی است. اگر حبّ دنیا نبود و بین مال و انسان بخیل علاقه‌ای وجود نداشت انفاق کردن برای او آسان بود. کسانی که انفاق می‌کنند حبّ و عشق دنیا ندارند یعنی آنچه خداوند در قبال بذل و بخشش آنها می‌دهد بهتر و ماندگارتر می‌دانند لذا به راحتی انفاق می‌کنند.

تفکری که دارایی و ثروت را منشأ خوشبختی می‌داند، از یک سو، به طمع دچار می‌شود تا مال بیشتری گردآورد، و از سوی دیگر، به بخل روی می‌آورد تا مال را مدت بیشتری نزد خود نگه دارد و از تلف شدن آن، جلوگیری کند و بدین وسیله، از زندگی، لذت بیشتری ببرد؛ اما آنچه اتفاق می‌افتد چیز دیگری است. شخص بخیل، در حقیقت، رنج و غم و فشار روانی را نزد خود پایدار می‌گرداند. بخیل، با هدف ثروتمندی بخل می‌ورزد؛ ولی در حقیقت، به سوی فقر می‌شتابد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي هَرَبَ مِنْهُ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِتَاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُخَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ»^۲ شگفتم از بخیل که به سوی فقر و ناداری که از آن گریزان است می‌شتابد و توانگری و ثروتی را که در پی آن است از دست می‌دهد. او در دنیا مانند تهیدستان به سر می‌برند و در آخرت، همچون توانگران، حسابرسی می‌شود.

بخل، فشار روانی را افزایش می‌دهد و آسایش را از انسان می‌گیرد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: «أَقْلُ النَّاسِ رَاحَةً الْبَخِيلُ»^۳ بخیل، کمتر از هر کسی آسایش دارد.

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۷۰۴.

۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة)، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. ابن بابویه، الأمالی (للصدوق)، ص ۲۱.

نتیجه گیری

دنیاگرایی به معنی حب استقلال به دنیا داشتن و دنیا را غایت و هدف در نظر گرفتن است. بنابراین، دنیاگرایی باعث اختلال در عملکرد روانی فرد می‌شود، زیرا فرد دنیاگرا، دنیا را منشا اثر می‌داند و عزت و آسایش خود را در گرو جمع‌آوری دنیا طلب می‌کند.

در آیات متعددی از قرآن کریم در مورد حب دنیا و دلباختگی و دلدادگی در برابر زرق و برق دنیا سخن به میان آمده است.

دل بستن به دنیای ناپایدار، روان انسان را دچار آسیب می‌کند به طوری که به شدت، انسان را بالا و پایین می‌برد و آرامش زندگی را بر هم می‌زند. گاهی به خاطر نگرانی از فردای نامعلوم، انسان را دچار «اضطراب» می‌کند، گاهی به خاطر گرفتاری وارد شده، انسان را «اندوهگین» می‌سازد و گاهی به خاطر گذشته ناموفق، انسان را «سستی اراده» می‌افکند. دل بسته به دنیا، آرزوها و انتظارات فراوانی از آن دارد؛ ولی چون دنیا ناپایدار است، نمی‌تواند به آرزوها و انتظارات و بی پاسخ مثبت دهد. لذا یا نگران آینده تلخی است که از آن گریزان است و یا اندهگین بلایی است که انتظار آن را نداشته است.

فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی (للمصدق)**، تهران، کتابچی، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۲. _____، **من لا یحضره الفقیه**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳. خمینی، روح‌الله، **اربعین حدیث**، تهران، انتشارات طه، چاپ سوم، بی‌چا، بی‌تا.
۴. امامی، محمدجعفر، **بهترین راه غلبه بر نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها**، بی‌جا، انتشارات نسل جوان، چاپ اول، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۵. آقا جمال خوانساری، **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**، محقق / مصحح: حسینی ارموی محدث، جلال الدین، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ هـ.ش.

۶. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، مترجم: قربانعلی محمدی بحرانی، سید هاشم، غایه المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، موسسه تاریخ العربی، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۲ق.
۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، مترجم: مهیار، رضا، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، قم: دار الكتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ.ق.
۹. حسینی همدانی سید محمد، انوار درخشان، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت، دارالعلم، دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۲. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علیه السلام، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، بی‌چا، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۳. سخنان حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری، ۹۵/۳/۳۱.
۱۴. سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۷۷.
۱۵. شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌چا، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تنبیه الغافلین و تذکره العارفین، ترجمه مولی فتح‌الله کاشانی، مصحح: منصور پهلوان، تهران: میقات، بی‌چا، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۷. _____ ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، محقق / مصحح: فیض الإسلام، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۸. _____ نهج البلاغه (للمصباحی صالح)، محقق / مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.

۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۲۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، قم، رضی، چاپ: اول، ۱۳۷۵ هـ.ش.

۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ هـ.ق

۲۳. _____، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیه)، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۲۶. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، تعلیق و تصحیح سید محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم، بی‌تا.

۲۷. نقی فقیهی، علی، بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین، تهران، قدس، بی‌چا، ۱۳۸۴ هـ.ش.

۲۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، چاپ: اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.

۲۹. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمرهای، محمد باقر، محقق / مصحح: میانجی، ابراهیم، تهران: مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ هـ.ق.